

# روز جهانی زن گرامی باد !



هرساله بمناسبت هشتم مارس روز جهانی زن مراسم باشکوهی در کشورهای مختلف برگزار می شود و پیامهایی بمناسبت والا بودن مقام زن در جامعه خوانده می شود و به حکومتهایی که حقوق زن را نادیده میگیرند هشدار داده می شود که جایگاه زن را در جامعه گرامی بدارند.

در ایران زمان شاه گرامیداشت روز جهانی زن ممنوع بود، تنها گروههای سیاسی چپ بطور مخفی آنرا برگزار میکردند. در اوائل انقلاب مراسم باشکوهی در میادین مختلف شهرهای ایران بمناسبت بزرگداشت روز جهانی زن برگزار شد که از همان هنگامه انقلاب، نیروهای ارتجاعی حاکم با اعزام گروههای فشار و چماق بدست مانع بزرگداشت این نوع مراسم میشدند و با شعار "یا روسری یا توسری" عمق عقب ماندگی و ستیزشان را با آزادی زن نشان می دادند.

این که زنانی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند و بدون آزادی آنان جامعه هرگز روی آزادی را بخود نخواهد دید واقعیتی انکار ناپذیر است. تا وقتی که قشر زن روشنفکر در جامعه شکل نگیرد و از دامان آنان فرزندان آزادمندش پرورنده نشود، جامعه در قعر جهل و نکبت دست و پا خواهد زد. تا وقتی که زن خود مفهوم آزاد زیستن را درک نکند، هرگز نمی توان با بیان نامه ها و صدور پیامهای انقلابی آزادی را به آنان هدیه داد، چرا که حق گرفتنی است نه دادنی.

در ایران جمهوری اسلامی زنان از ابتدائی ترین حقوق خویش محرومند، با آنان هنوز هم مثل دو سه قرن گذشته رفتار می شود، هنوز هم آنان با عناوینی تحقیرآمیز همچون "ضعیفه" ... مورد خطاب واقع می شوند. سنگسار می شوند، مورد تجاوز جنسی واقع می شوند، بدون رضایتشان هوو بر سرشان آورده می شود، حق طلاق از آنها سلب شده، در محاکم اسلامی حرفشان خریداری ندارد و حتی در نوع پوشش آزاد نیستند، شرایط و زندگی رقت آور و خفت باری که امروز بر زن ستمدیده ایرانی تحمیل شده است غیراخلاقی

و مغایر با شان انسانیت است. این زندگی فرو انسانی، از حجاب اجباری و به حاشیه رانده شدن از صحنه حیات اجتماعی، نیم انسان و مهجور شمرده شدن در ساحه حقوق و جزا و قانون و قضا و اقتصاد و مدیریت، صیغه ضداسلامی، منع اجرای هنرهای ملی آواز و رقص و ورزش آزادانه و مختلط زنان و مردان، جداسازی زنان و دختران از پسران و مردان در مدارس و اجتماع، منع پوشش ملی و فولکلوریک و ... غیرقابل قبول و غیر قابل تحمل است. خوشبختانه در ایران هستند گروههایی که برای آزادی زنان فعالیت می کنند و کمپین های وسیع راه می اندازند، باشد روزی که زن بمعنای کامل کلمه، حقوقی کاملا برابر با مردان داشته باشند.

و اما زنان تورکمن ایرانی در مقایسه با زنان فارس زبان از ستمی مضاعف رنج می برند. حقوق آنان نه تنها در موارد ذکر شده بالا لگدمال می شود، بلکه زنان تورکمن از نوشتن و خواندن به زبان ملی شان نیز محرومند، آنان نمی توانند اسامی دلخواه خودشان را که ملهم از فرهنگ ملی شان است را به نوزادانشان بدهند و نوزادانشان را با فرهنگ ملی شان پیوراندند. زن تورکمن از کوچکترین حقوق ابتدایی نظیر پوشش ملی شان در مراکز دولتی محروم است. زنان تورکمن بلحاظ اقتصادی به مردان وابسته اند و این امر سبب پیوستگی شدید و اطاعت کامل آنان از مردان را سبب می شود. زن تورکمن در سنن و آدابی دست و پا می زنند که هیچ سنخیتی با فرهنگ اصیل و ملی تورکمنی ندارد، دستورات مذهبی شدید مانع از بروز استعدادهای آنان می شود. در صورتی که در طول تاریخ زن تورکمن همواره آزاد زیسته حتی شریک زندگی شان را خودشان انتخاب میکردند، نوعی مادرسالاری حاکم بود. جوان تورکمن فرد ناشناس را "دادایی" خطاب می کند، یعنی وی را با نسب مادری خویش پیوند می دهد. برای توضیح بیشتر در این باره که بی مناسب با روز جهانی زن نیز نیست لحظاتی را در لابلای تاریخ سپری می کنیم تا ببینیم که زن تورکمن در طول تاریخ چه نقشی در جامعه داشته و چه رشادهایی از خود نشان داده است.



**مجسمه خدای زن که در حفاری نوسای تورکمنستان بدست آمده و نشان از جایگاه والای زن در آن ایام خبر می دهد.**

در اسطوره های حماسی قورقوت آتا و گوروغلی به والا بودن مقام زن اشارات متعددی می شود. در داستان "بیرک قهرمان"، نامزد وی بانو چیچک پس از کشتی گرفتن، تیر انداختن و مسابقه اسب، حاضر به زناشویی با وی می شود. در داستان "سالیر غازان" همسر وی سلجان خاتون برای حفظ ناموس اش (بهنگام اسارت) برای اینکه شناخته نشود حاضر می شود که فرزندش قربانی شود. در تمامی داستانهای دوازده گانه قورقوت آتا، زن همواره مشاور همسر خویش است که عین این پدیده ما در "آغایونس پری" گوروغلی نیز شاهدیم. در اوغوزنامه از شش زن نام برده می شود که به مقام "بگی" رسیدند و سرنوشت ایل بدست آنان سپرده شده است. آخرین نسل از زنان رهبر تورکمن گلجمال خان، خان ماری (مرو) بود که در سال ۱۸۸۰ پس از فوت همسر قهرمانش نوربردی خان بجای وی نشست.



شاهزاده تومار

بنابه شواهد تاریخی از جمله گفته های هرودت در حدود سیصد سال پیش از میلاد مسیح در کناره شرقی دریای خزر "داهه" ها زندگی میکردند (داهه ها اجداد طایفه تورکمنی داز های کنونی محسوب می شوند که در شرق آق قالا زندگی میکنند). پس از مرگ رهبر داهه ها (ماساگت ها) همسر وی تومار (توماریس به نوشته هرودت) رهبری را بدست میگیرد. وی با رشادت تمام لشکر متجاوز کوروش هخامنشی را دفع و سرش را از تن جدا میکند.

سیاح معروف مراکشی ابن بطوطه در سفرش به نزد تورکان در قرن پانزدهم در باره موقعیت زنان تورک می نویسد:

"مقام زن پیش تورکها خیلی والا و محترم است چنانکه بالای فرامین شاهی مینویسد: به فرمان سلطان و خاتون ...." (ص ۲۸۴)

"...امیر (ترکان) در پیش خاتون برخاست و سلام کرد و او را در کنار خود نشاند. کنیزکان، خاتون را در میان گرفتند و آنگاه (شراب) قمیز آوردند. خاتون قدحی ریخت و به دو زانو در برابر امیر نشستند. قدح را به دست او داد. ... امیر نیز قدحی به خاتون داد و با هم طعام نشستند ... پنجره های اطاقک را نمی بندند. روی زن هم باز است، چه زنان ترک چادر به سر نمیکنند. (ص ۳۷۰)

در سیستم حقوقی جوامع و دول تورکی پیش از اسلام زنان از موقعیت والا و حقوق سیاسی برخوردار بودند. چنانکه در کتابه های گوگ تورک گفته می شود: **"خداوند تورکان، برای آنکه ملت تورک از بین نرود، پدرم ایلدریش خاقان و مادرم ایل بیلگه خاتین را فرستاد."** در میان تورکان و جوامع آنها، رسم پوشانیدن روی و موی و بدن نبود.

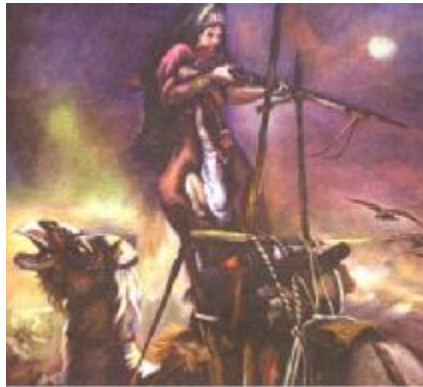
پس از آنکه تورکان اسلام آوردند در حقوق و موقعیت اجتماعی و سیاسی زنان هیچ تغییر و افول مهمی حادث نشد. به تصریح نظام الملک خانیهای تورکستان، در تمام امور دولتی با زنان و خاتینها مشاوری کرده و نظرات و آرا زنان را بر مردان ترجیح می داده اند. زنانی چون آلتین جان همسر توغروغول بیگ سلجوقی، گوهر، خواهر آلپ ارسلان سلجوقی، ترکه ن خاتین همسر ملکشاه سلجوقی (۱۰۷۲ م) به مقام امیری رسیدند.

دوران دولت تورکی قراختانیان، دوران برجسته نفوذ و اقتدار سیاسی زنان تورک در ایران است. در میان قراختانیها مانند دیگر دولتهای تورکی و طبق فرهنگ سنتی تورکان، به حاکمان و امرای زن متعدد که اسامیشان همه عنوان خاتین ویا ترکه ن دارد برخورد میشود. از این میان "قوتلوق خان خاتین" (۲۵ سال حکومت کرده است)، "حسن شاه پاشا خاتین" (۱۰ ماه حکومت کرده است)، "مخدوم شاه قوتلوق خاتین" (۹ سال حکومت کرده است) کوردوجین (همسر بانفوذ سویورقاتمیش)، آبیخ خاتین (بانوی مقتدر قراختای)، شاه عالم (دختر کوردوجین، همسر ایلخان مغول) که از نامداران تاریخ سیاسی ترک های ایران میباشند قابل ذکراند. دوره سالغوریها نیز مانند اکثر دیگر دولت های ترکی به داشتن حکمرانان زن مشهور است. در میان سالورها زنانی مانند "بورلا خاتین" و "سالور بارچین" که به امارت رسیده اند دیده میشود. (به نقل از وب لاگ ترکن تورک)

وقتی که نادرشاه با خدعه و نیرنگ سبب کشته شدن فتح علی خان قاجار شد، فرزند وی محمدحسن خان به نزد دایی اش بگنج خان داز آمد و مورد حمایت وی قرار گرفت. نادر سفیرانی را نزد بگنج خان فرستاده خواهان استرداد وی می شود، هنگامیکه مردان در بیرون چادر در این باره مشورت میکردند زن خان بنام اوغول باغیت روسری خود را به طرف آنان انداخته میگوید: "بهتر است

شما مردان چادر بر سر کنید، ما زنان از مهمانان حمایت خواهیم کرد." (سعید نفیسی تاریخ ایران ج دوم) در طول تاریخ تورکمن بودند زنانی که "باش تلبگی بیر غینگاجا دانگیپ گیت= پنج کلاه به یک روسری نمی ارزد."

شاعر ملی تورکمنها مختومقلی در قرن هیجدهم در اشعار خویش به وصف زنان پرداخته (دنیا سوژی منگزأر دوزسوز تاغاما- سوژ ایچینه گلین قیز هم بولماسا= سخن ایام همانند غذای بی نمکی خواهد شد اگر در آن زن سخنی بمیان نیاید) و چند همسری را بشدت نکوهش کرده است (هر کیشی نینگ یکی بولسا عیالی- ایش گیجه گوندیز قیل و غال بولار)



در سال ۱۸۸۱ بهنگام هجوم وحشیانه ارتش روسیه تزاری بسرکردگی ژنرال اسکولف به گوک تپه، نه تنها مردان، بلکه زنان نیز در حالیکه کودکانشان را به پشت شان بسته بودند به دفاع از سرزمین آبا و اجدادی شان پرداختند. یکی از افسران شرکت کننده در جنگ درباره شجاعت زنان تورکمن چنین نوشته است: "در چند قدمی موضع سربازان ما از داخل گودالی بسوی ما شلیک میشد، ما به آنطرف رفتیم، با کمال تعجب مشاهده کردیم که زن تورکمنی یکی از دو طپانجه اش را به زمین گذاشته و خشاب دیگری را پر میکرد. وی بدستور ما دست از این کار کشید، وی را به قرارگاه آوردیم و توسط مترجم گفتیم که نترس، ما به تو زیان نخواهیم رساند. وی در حالیکه مثل ببر می غرید و آتش از چشمانش می بارید گفت: "ما چرا بترسیم، شما کافران باید بترسید، تا وقتی که دشت را از خونتان مالمال نسازیم شما از دست ما رهایی نخواهید یافت". ما از شهامت این زن تورکمن تعجب کردیم و مجبور به تغییر در تاکتیک جنگی خود شدیم." (بارانسکی: در نبرد گوک تپه)



آرتیق گول (تاتیانا)

در نبرد مرگ و زندگی گوک تپه دخترکی شش ساله به اسارت روسها در می آید. وی به پتربورگ برده می شود و چون اسارت وی طبق تقویم روسی مصادف با روز "تاتیانا" بوده، اسکولف به وی نام تاتیانا را بر می گزیند. تاتیانا در مدارس عالی آن دوره تحصیل و به مقامهای عالی علمی می رسد، وی چندین زبان خارجی را فرامیگیرد و بعنوان معلم به مدارس عالی اوکراین فرستاده می شود. سپس وی به تورکمنستان آمده در کنار انقلابیونی چون غایغیسوز اتابای و محمدقلی آتابای (مدیر روزنامه ماوراء بحر

خزر) به روشنگری زنان تورکمن پرداخته و به افشای جنایات و ظلم مأمورین پادشاه می پردازد، تا اینکه تاتیانا تکینسکی را از کشور تبعید می کنند. در سن چهل سالگی تاتیانا با حالی پژمرده و مریض به تورکمنستان بر میگردد و این بار به کمیته جمع آوری کمک مالی به انقلابیون تورک برهبری اتاتورک می پیوندد و پس از افشا شدن کارشان به زندان می افتد. وی در سال ۱۹۲۴ در سن ۶۴ سالگی چشم از جهان فروبست. مردم تورکمن به پاس احترام به وی او را "آرتیق گول" نامیدند و خاطره اش را همیشه گرامی میدارند.



**آناسلطان ککیلوا (30.11.1942- 30.11.1983) (راست)**  
**انه قولیووا (چپ)**

بهنگام پیروزی انقلاب اکتبر زنان تورکمن همدوش مردان در کمیته های انقلابی شرکت کردند، در پیکار علیه بیسوادی زنانی مانند انه قولیووا نقش بسزایی ایفا کردند. در دوران جنایات تصفیه خونین استالینی باز هم بودند زنانی که زندگی به خفت و خواری را به زندان و مرگ و تبعید ترجیح دادند، نام و خاطره زنانی که در سرمای کشنده سیبری جان باختند تا ابد در یاد ملت تورکمن باقی خواهد ماند. و باز این زنان تورکمن بود که دوشادوش دیگر زنان اتحاد شوروی در نبرد علیه فاشیسم هیتلری با تمام توش و توان خویش پشت جبهه را تقویت بخشیدند. در دوران برقراری نظام توتالیتر و سرکوب هر نوع صدای اعتراض باز این شیرزن تورکمن آناسلطان ککیلوا بود که با تمام قوا ظلمی را که به زنان روا میشد را افشا میکرد، طوری که دستگاه امنیتی و ک گ ب بیش از این نتوانست وی را تحمل کند و آناسلطان توسط رژیم حاکم بر تورکمنستان برهبری غفوروف به سیزده سال اسارت در بیمارستان روانی محکوم گردید و در آنجا در سن ۴۱ سالگی جان سپرد.



**آیگول تاجی یووا**

و اینک نیز زنان تورکمنستان در صحنه سیاست جهانی با ایجاد سازمانهایی چون "سازمان هلسینکی تورکمن برای حقوق بشر" به مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری حاکم بر تورکمنستان می پردازند. یاد آی گول تاجی یووا نماینده مجلس تورکمنستان که سال گذشته در غربت چشم از جهان دوخت گرامی باد که از زمره شیرزنان تورکمنستانی بود که علیه رژیم دیکتاتوری نیازوف علمدار مبارزه بود.

زنان تورکمنهای ساکن ایران نیز دوشادوش مردان در صحنه سیاسی و اجتماعی نقش بزرگی ایفا کردند و می کنند. زنان تورکمن در مبارزه علیه غصب زمینهای اراضی شان شجاعانه در مقابل مأمورین ژاندارمری شاه ایستادگی کردند، چندین نفر از آنها کشته و زخمی شدند، خانه هایشان و اموالشان غارت شد ولی لحظه ای دست از مقاومت نکشیدند و باز این خانم دکتر مهین گرگانی بود که

نه تنها پزشکی دلسوز برای مردم منطقه بود بلکه توانست در سال ۱۳۰۲ با اخذ کرسی نمایندگی مجلس توانست از این تریبون به مردم خویش خدماتی نمود.



**Dr. Mehin Gorgany**  
(1310-1376)

هنوز چند ماهی از سقوط رژیم فاشیستی محمدرضا شاه نگذشته بود که رژیم جمهوری اسلامی در فروردین سال ۱۳۵۸ جنگی را بر مردم تورکمن تحمیل کرد که در این نبرد نابرابر بسیاری از مردم بی گناه تورکمن شهید شد. خانم صفرگل خالدزاده و بایرام بی ملیتی همراه با کودک چند ماه اش قربانی تیر جانیان شدند.



ولی آیا می توان جلوی قیام یک ملت را گرفت؟ در سراسر صحرای تورکمن زنان و دختران تورکمن با شجاعت تمام در راهپیمایی های شان از خواسته برحق و ملی ملت خویش دفاع کردند و ندای حق طلبانه خویش را در سراسر ایران زمین گسترده کردند.



و باز اینک زنان و دختران تورکمن در کارزار ادبی برای روشنگری ملت خویش دمی از مبارزه نمی ایستند. شاعران و نویسندگان و خبرنگاران چندی از بین دختران تورکمن با خلق آثار نویی، صفحات روزنامه ها و سایت های اینترنتی را آذین می بخشند که مایه افتخار ملت خویش اند.

و اما بعنوان ختم کلام!

ما بعزت دور نگهداشته شدنمان از فرهنگ ملی خویش نتوانستیم آنچنان که شایسته زنان قهرمان ماست، یادشان را گرامی بداریم. ما نام فلان مبارز زن را از فلان کشور دور افتاده یا نام شهدای زن فلان گروه سیاسی را بهتر از شیرزنان خویش می شناختیم و به آنان افتخار کردیم. حالا نوبت تجلیل همیشگی از زنان قهرمان خودمان رسیده است. نویسندگان، شاعران و محققان تورکمن وظیفه و مسئولیت بزرگی در شناساندن مبارزه زنان تورکمن به ملت خویش دارند و بایستی این وظیفه را آنچنان که شایسته است با تمام توش و توان ایفا نمود.

بار دیگر فرا رسیدن روز جهانی زن را به تمامی زنان آزاده جهان از هر ملت و فرهنگ و بویژه به زنان تورکمن از صمیم قلب تهنیت گفته و برایشان آرزوی بهروزی و شادکامی و آزادی از یوغ هر نوع ظلم و ستم را خواهیم.

در زیر تصاویر زنانی از تورکمنستان دوره شوروی را نشان می دهیم که هر یک در شکوفا ساختن فرهنگ ملی ملت تورکمن نقش بسزایی ایفا کردند.



استادان صحنه تئاتر و خوانندگان اپرا از راست:  
مایا قولی یووا- آناگول آنا قلی یووا



از راست: مایا گوزل آی مآدووا (هنرمند سینما)- روزا تۆرایووا (خواننده اپرا)- اورازگول آنامیرادوا (پیانویست)- تاوشان اسن اوا (نویسنده)

آقمیرات گورگنلی

پراگ. هشتم مارس سال دوهزار و ده میلادی